

غربت شاهنامه در ایران

عمل به شاهنامه پایه‌های حکومت اجتماعی را محکم‌تر می‌کند

در نشست خبری «شاهنامه از تاریخ تا قانون به روایت امروز» ضمن بیان دیدگاه‌های نو در این حوزه مباحث مهم و کشفیات تازه‌ای از شاهنامه مطرح شد. محمد رسولی، تاریخ‌دان و شاهنامه‌شناس در این نشست با اشاره به غربت شاهنامه فردوسی در ایران گفت: عمل به آموزه‌های شاهنامه موجبات تحکیم پایه‌های اجتماعی و سیاسی هر حکومت را فراهم می‌کند؛ این در حالی است که متأسفانه تصور غلط از افسانه‌ای‌بودن شاهنامه باعث شده که این گنج ادبی- تاریخی ایران در اداره امور حکومت نادیده گرفته شود، در حالی که پادشاهان تاریخ کهن با همین شاهنامه کشور گشایی‌ها و امور حکومتی خود را دنبال می‌کردند.

او با بیان اینکه توجه به شاهنامه فارغ از هر گویش و گرایشی می‌تواند انسجام ملی را تحکیم بخشد تأکید کرد: شاهنامه ایرانی‌ترین کتاب دنیاست که در آن تمام مسائل اجتماعی اعم از حقوق کودک و نوجوان، حقوق سالمندان، حجاب زنان، مشارکت اجتماعی مردم و شیوه‌های درست حکومت‌داری به شیوایی بیان شده است. اما ناشناخته‌بودن شاهنامه باعث شده که دولتمردان همواره این گنجینه ایرانی را در اداره امور نادیده بگیرند.

به گفته این شاهنامه‌پژوه، بی‌گمان همه شاهنامه تاریخ است و سطر به سطر شامل جزئیات‌هایی است که به اشتباه به آنها به چشم افسانه نگاه می‌شود، حتی همین موجودات فرادنیایی آن موضوعی است که امروزه توسط دانشمندان و محققان علمی در حال بررسی است. شاهنامه تماماً مستندات تاریخی است و یکی از منابع اصلی و کارگشا برای پژوهش‌های ژرف باستان‌شناسی خواهد بود. مصداقش همین شهر سوخته سیستان که در شاهنامه مفصل درباره آن سخن گفته شده است. رسولی در ادامه با اشاره به طرح موضوعاتی چون شرکت مردم در انتخاب حاکمان وقت، مجلس شورای ملی و... گفت شاهنامه نه‌تنها می‌تواند الگوی حکومت‌داری باشد بلکه می‌تواند به‌عنوان یک منبع کامل برای نوشتن پایان‌نامه‌های علمی مورد استفاده قرار بگیرد.

بازگشت کلاس‌های نهضت به مدرسه

رئیس سازمان نهضت سوادآموزی از تغییر در ساختار نظارتی این سازمان واگذاری نظارت بر کلاس‌های سوادآموزی به مدیران مدارس ابتدایی خبر

اصل و شرح

۳ ستاره جاده‌های ایران

در کارنامه راندگی ۳ راننده برگزیده توسط پلیس راهور خبری از سابقه تصادف و ثبت جریمه نیست

جامعه امروز

محمد سربابی | روزنامه‌نگار | امسال تقدیر پلیس راهور فراچا از رانندگان قانونمند، در رسانه‌ها انعکاس زیادی پیدا کرده است. معمولاً رانندگان از پلیس انتظار ایجاد محدودیت و اعمال جریمه دارند اما پلیس با قدردانی از رانندگان نشان داد که به‌دنبال

۳ راننده نمونه

سرهنگ محبی درباره شیوه انتخاب راننده‌های قانونمند می‌گوید: روال کار به این شکل است که از راهداری و اصناف و اتحادیه‌های مرتبط، می‌خواهیم تعدادی از رانندگان قانونمند را معرفی کنند. سوابق اجراییات این اشخاص تا سال گذشته بررسی می‌شود. در مرحله اول هر شخصی را که تصادف کرده باشد، حذف می‌کنیم. سپس تخلفاتی مانند جریمه و نمره منفی گواهینامه را بررسی می‌کنیم. رانندگان اتوبوس‌ها باید حسن اخلاق داشته باشند و مسافران از آنها شکایت نکرده باشند. در نهایت از میان آنها فقط ۳ نفر انتخاب می‌شوند. معمولاً کسانی که به این مرحله نهای می‌رسند، رانندگان خودروهای سنگین هستند که همیشه جزئیات قوانین را به دقت رعایت می‌کنند. او با اشاره به اینکه انتخاب رانندگان قانونمند بیش از ۱۰ سال سابقه دارد، بیان می‌کند: هر سال در هفته نیروی انتظامی از رانندگان قانونمند قدرانی می‌شود. انتخاب این هموطنان براساس ایمنی در راندگی و رعایت شاخص‌های قانونی است و به جامعه پیام روشنی ارسال می‌کند که رفتارهای قانونمند چقدر ارزش دارد. امسال مهدی عربلو و میرعزیز موسوی و مرتضی دریس به‌عنوان رانندگان قانونمند انتخاب شدند.

بهترین راننده‌های ایران

پلیس از این ۳ راننده قانونمند تقدیر کرد

راننده‌های قانونمند از نظر راهور کسانی هستند که در ۵ سال اخیر جریمه نشده و تصادف هم نکرده‌اند. با ۳ راننده‌ای که امسال با این‌عنوان برگزیده شده‌اند صحبت کرده‌ایم. هر ۳ راننده گفتند که دلیل جریمه نشدن آنها رعایت سرعت مطمئنه است؛ همان عاملی که بی‌توجهی به آن باعث بیشتر تصادف‌ها در جاده‌های ایران است.



میرعزیز موسوی (آذربایجان شرقی)

از سال ۷۷ راننده پایه یک هستم و یک کشنده ترانزیت دارم. وزن تریلی ۸ تن است و ۲۲ تن بار دارم، یعنی ۴۰ تن بار در جاده در حال حرکت است که اگر از کنترل خارج شود حادثه بزرگی ایجاد خواهد کرد. راه ریزگیری از حادثه هم

توجه به تابلوهاست. وقتی جایی تابلو حداکثر سرعت ۶۰ کیلومتر بعد از ۴۰ کیلومتر نصب شده باشد به این معنی است که در حال ورود به محدوده مسکونی هستیم و باید سرعت را کم کنیم. دلیل بیشتر تصادف‌ها خستگی است. حتماً دنده‌ای که راننده‌های کامیون و تریلی هر ساعت می‌ایستند، پیاده می‌شوند و نگاهی به لاستیک‌ها می‌کنند. همین کار کوچک باعث هوشیاری بیشتر می‌شود.



مرتضی دریس (خوزستان)

راننده تاکسی یلاک کرا به در مسیر اهواز به بندر ماهشهر هستم و ۱۵ سال است که در این مسیر مسافر جا به جا می‌کنم. تفاوت سرعت ۱۰۰ کیلومتر و ۱۵۰ کیلومتر ۱۰ دقیقه دیرتر رسیدن به مقصد است. ولی در سرعت بالا احتمال تصادف خیلی بیشتر می‌شود، حتی استهلاک خودرو هم بیشتر است چون ترمزها شدیدتر و فرسودگی خودرو زیادتر می‌شود. دلیل تصادف در جاده‌ای که من کار می‌کنم خواب‌الودگی و نگاه کردن به گوشی تلفن همراه است. متأسفانه ماشین‌های شونی هم در این جاده زیاد دیده می‌شوند که سرعت خیلی زیادی دارند. البته جاده‌ها شرایط خوبی ندارند و کسی هم نمی‌تواند جاده را جریمه کند.

مسئولیت راننده اتوبوس

بیش از ۴۰ میلیون نفر در کشور گواهینامه راندگی دارند و نیمی از خانواده‌های ایرانی صاحب خودرو هستند اما رانند اتوبوس‌های بین شهری با همه اینها تفاوت دارد. سرهنگ محبی می‌گوید: پلیس راه همه خودروها را کنترل می‌کند ولی وضعیت ناوگان مسافری بین شهری به دقت مضاعف نیاز دارد. اتوبوس‌های بین شهری در کمتر از یک درصد تصادف‌ها نقش دارند ولی توجه کنید که در یک اتوبوس زندگی ۵۰-۴۰ مسافر در اختیار راننده است. پلیس به‌شدت مراقب تردد اتوبوس‌هاست. هنگام حرکت از پایانه مبدأ، مدیر فنی شرکت اضافه ساعت راندگی و نقض فنی احتمالی را بررسی می‌کند. پاسگاه به پاسگاه راننده باید پیاده شود و ساعت بزند. اخیراً در برخی استان‌ها پلیس راه در خروجی پایانه مستقر شده و از همان ابتدا حرکت اتوبوس را ثبت می‌کند. او درباره رانندگان خودروهای باری بیان می‌کند: اکنون پلیس راه به‌دنبال هوشمندسازی ناوگان باری بین شهری با سامانه‌های شبیه «سامانه سپهتن» است تا بتوانیم نظارت روی آنها را هم افزایش دهیم.



محمد عربلو(ق)

۲۸ سال است راننده اتوبوس هستم و در مسیر قم - مهران کار می‌کنم. فاصله ۱۱-۱۰ ساعت است. با ۱۲ راننده این مسیر را می‌رویم. هر ۴ ساعت راننده عوض می‌شود. راننده باید به ازای هر ۹ ساعت کار ۶ ساعت استراحت کند که در بیشتر مواقع همین نسبت را رعایت می‌کنیم مگر زمانی که شرایط خاصی باشد، مثل زمان جنگ ۱۲ روزه. مسافر گاهی اعتراض می‌کنند که چرا آرام حرکت می‌کنید و ما جواب می‌دهیم که نباید از سرعت استاندارد جاده تندتر برویم. کنترل اتوبوس به دلیل وزن و طول زیاد ساده نیست. البته الان اتوبوس‌ها امکانات ایمنی خیلی بیشتری از گذشته دارند، ولی سرعت غیرمجاز همچنان حادثه‌ساز است. انحراف به چپ خودروهای سواری خیلی تصادف ایجاد می‌کند. مخصوصاً وقتی راننده‌ها تلفن همراه به‌دست می‌گیرند یا از خارج می‌شوند.

هشتگ روز

نمک بر زخم مردم

دیروز در سستون بالای صفحه به خشم مردم از آخرین صحبت‌های «فریاد نادری» بازیگر زن ایرانی درباره محل زندگی‌اش در محله نیاوران و فاصله طبقاتی شدیدی که با بازیگر دیگری دارد، اشاره کردیم، اما خشم افکار عمومی با انتشار تکه‌های جدیدی از مصاحبه بیشتر شده است؛ مثلاً آنجا که خانم بازیگر در یک خاطره بی‌ربط به عمد به نوع ماشینش که او دی است، اشاره می‌کند یا اینکه می‌خواهد درباره تعاملش با کودکش صحبت کند، اما می‌گوید که ۲ دانگ خانه به نامش کردیم و... اما چرا جامعه از این نوع صحبت کردن خانم بازیگر عصبانی شده و نسبت به آن واکنش منفی نشان داده است؟

یکه قطعاً بخش زیادی از مردم با ثروت و وضع مالی خوب دیگران مشکلی ندارند، اما تقابل و تضاد وقتی رخ می‌دهد که افراد متمول بخواهند دیگران را به واسطه درآمد کم یا محل زندگی‌شان تحقیر و به عمد فقر اقتصادی آنها را مسخره کنند. دوه افکار عمومی حالش از افراد ثروتمندی که در کی از شرایط عمومی جامعه ندارند یا دارند و از عدم می‌خواهند خود را تافته جدا بافته نشان دهند، بد است؛ اینکه در دل بحران اقتصادی، یک هنر پیشه یا سیاستمدار می‌آید و ثروتش را جلوی مردم به نمایش می‌گذارد و با آن فخر می‌فروشد، در افکار عمومی تنها ته‌نشد پسندیده نیست، بلکه نکوهش می‌شود.

سه؛ مردم خسته‌اند از هنرمندان، سیاستمداران، ورزشکاران و سلبریتی‌هایی که کارشان شده حسرت‌آفرینی. این تنفر را می‌شود از حجم کامنت‌های پر از خشمی که در پست‌های مربوط به این مصاحبه و اتفاقات مشابه آن رخ داده، مشاهده کرد؛ خشمی که هر روز هم شکاف بین مردم و این دسته از افراد را بیشتر می‌کند و تبدیل به یک موج سنگین علیه آنها می‌شود.

چهار؛ در نهایت اینکه در روزهایی که مردم تجربه تلخ تورم روزانه را دارند و با مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بهتر است که اگر نمی‌توان همراه و هم‌دل مردم بود و گریه از مشکلات آنها باز کرد، حداقل نمک بر زخم آنها هم نپاشید.



ای کاش کوه‌ها سفید شوند

کوه‌های تهران که مثل مادری شهر را در آغوش گرفته‌اند و هر وقت به آنها نگاه می‌کردیم دلمان گرم می‌شد که پشتمان به کوه‌های بلند است که در نهایت به دماوند متصل می‌شود، حالا تبدیل به یک

نماد غم‌انگیز بی‌آبی و خشکسالی شده‌اند. آنقدر که اصفهانی‌ها از دیدن زاینده‌رود و آذربایجانی‌ها از دیدن دریاچه ارومیه خشک، غمگین می‌شوند، ما با دیدن کوهایی که در آغاز دومین ماه پاییز هنوز کلاه سفید

بر سر نکرده‌اند، دلمان یز از غم شده است. این روزهای پاییز دعا می‌کنیم باران بیاید و کوه‌های بالادست پر از برف شود. ما یخ پز نیم از سرما و حتی در ترافیک یک روز بارانی بهمانی‌ما یاران بیبار.

از حجره تا باشگاه

درباره روحانی جوانی که هم درس می‌خواند، هم قلمکاری می‌کند و هم مربی بدنساز و پارکور کار حرفه‌ای در ایران است

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | عکس و فیلم‌هایش با کلیدوازه طلبه بدنسازی و روحانی پارکور کار و ایرال شده‌است؛ آنقدر که حساب و کتاب الگوریتم اکسپلورر شبکه‌های مجازی خیلی از کاربران که معمولاً براساس علایق و سلاقی فردی‌شان نظم و

مربی حوزوی در باشگاه

گشاده‌روست و خوش صحبت. البته خودش اینطور وصف می‌کند: «خوش‌صحبتی‌ام از سر آن جمله معروف است که می‌گویند باز رفت بالای منبر...». حرف‌های جدی را هم چنان با شوخ‌طبعی می‌زند که علاوه بر اثرگذاری، خنده را نیز به لب‌های شنونده جاگیر می‌کند. متولد ۱۳۷۶ است و اهل زنجان و ورزش، از کودکی اهل مسجد و هیئت و باشگاه محل بود. با اقامه نماز جماعت و انجام فعالیت‌های مذهبی و جهادی همراه هم‌سن و سالان خود بیشتر از هر چیز دیگری کیفوری می‌شد. در بسیاری از رشته‌های ورزشی نیز عرق ریخته و مدال کسب کرده؛ ژیمناستیک، آمادگی جسمانی و تکواندو. اول دبیرستان را تمام کرده و نکرده می‌رود پی دروس حوزه و طلبگی؛ انگار که مصداق این نوحه معروف «باید رفت باید دنبال پرچمت تا باید رفت...» شده باشد. در حال حاضر ابوالفضل که مربی کارکنسته بدنسازی است و ورزشکاران فراوانی را به کوه سلامت و افتخارآفرینی فرستاده در سطح ۳ درس خارج (معادل مقطع کارشناسی ارشد) می‌خواند.

رزق خدایی و مژد مجازی

از سال‌ها پیش سرگرم ورزش کردن است که حالا جنب و جوشی فراوان دارد: «با مدرک طب‌سنتی، خدمات حجامت انجام می‌دهم. گاهی هم سفارش ساخت ظروف مسی قلمکاری شده، می‌گیرم. خلاصه که مُشتم از مُرد این مهارت‌ها پُر می‌شود؛ نه از فعالیت‌های فضای مجازی‌ام.» به این بخش از گپ‌وگفت که می‌رسد، صریح‌تر صحبت می‌کند: «مسجد نباید فقط جایی برای نمازخواندن و مجلس ترحیم باشد. باید بیشتر زندگان برای زندگی در آن آمد و شند کنند و چون بخش مهمی از زندگی زندگان، فضای مجازی است بهتر است فول‌بادی (اصطلاح تخصصی بدنسازی) آماده باشیم.» آخرین طرف مسی که با قلم‌های ریز و درشت فولادی و چکش حکاکی کرده را به زوجی جوان که خیران برای تأمین چپیز به آنها گل‌ریزان گرفته بودند، پیشکش کرد.

حاج آقا مسئولتن؛ هالتر یا تردمیل؟

حدود عمال است که ابوالفضل فعالیت‌های مجازی خود را آغاز کرده تا جوانان از دین دور نمانند. با آنکه پست پارکور کاری‌هایش بیشتر دیده شده است و کلیپ انجام حرکات نمایشی که موسیقی‌اش نوحه «سلام آقای دل...» است و چالش دست به میله بالا آمدنش هم میلیون‌ها بار دیده‌شده اما هنوز نقد و گاهی تمسخر می‌شود: «واایل که با لباس روحانی وارد باشگاه می‌شدم، آنها که نمی‌شناختند بعضی‌هایشان می‌ترسیدند و می‌گفتند سلطان، صدای آهنگ را قطع کن و بعضی‌های دیگر هم می‌خندیدند و می‌گفتند حاج آقا‌ها هم مگه باشگاه میان؟ یا حاج آقا، مسئولتن؛ هالتر یا تردمیل؟!» صبح تا ظهر به درس و حوزه، ظهر تا عصر در مسجد با نماز و فعالیت‌های فرهنگی و هر غروب هم در باشگاه مشغول تمرین و آموزش است.

اختلاف عقیده و فریب شیطان

کیشن بسیاری از پست‌هایش این است: «اختلاف عقیده داریم ولی رفیقیم.» میان کامنت‌ها و دایرکت‌ها هم جملات «دمت گرم حاجی»، «ما طالب این طلبه‌ایم» فراوان دیده‌ای شود. با این همه ابوالفضل همچنان زبان نرم و سر پر حوصله و سعه صدر دارد: «طلبه‌ها شغلش مسافر کشی است و علاقه‌اش شاید سرودن شعر یا طلبه‌ای مثل من که علاقه‌اش ورزش و رسلانش دوستی با جوانان است. برای همین از شنیدن آخوندبلاگر دلگیر نشدم و با حفظ شأن لباس روحانیت ادامه دادم... حالا دورم را همسالانی گرفته‌اند که سئوال‌های مختلف‌شان را پاسخ می‌دهم؛ تو باشگاه یا موسیقی ورزش می‌کنیم گناه نداره؟ ورزش، زکات داره؟ حاج آقا شما از ورزش کردن هاتون پست و استوری می‌ذارید، ری‌انمی‌شه؟... ببخشید شما روزود قضاوت کردیم‌ها.» شهرت مجازی این روزهای ابوالفضل باعث نشده که فریب شیطان را بخورد و از اوقات خلوت با خدا، مسجد و منبرنشینی و قلمکاری بکاهد؛ نشان به آن نشان که همچنان سر حوصله ظرف را با گچ یا قیر بر می‌کشد تا از قلم‌نیش صدای زیادی بلند نشود یا برای انتخاب موضوع منبر با هم‌محله‌ای‌ها مشورت می‌کند.

